



## سراسر معجزه

### زینب، خادم بخش ارشاد

بیش از چهار سال است که در بخش ارشاد حرم مطهر رضوی مشغول به خدمت به زائرین و مجاورین حضرت رضا(ع) هستیم که تمام آن خاطرات عجیب و غریب است. خادمین ارشاد عمدتاً جلوی ورودی‌ها قرار دارند و عمدتاً اولین برخورد را با زوار دارند. آشنایی من با بخش ارشاد از طریق پدرم بود. پس از طی مراحل گزینش و صدور کارت خدمت، هر شنبه به صورت ثابت از ساعت ۳ تا ۸ شب مشغول خدمت به زائرین هستم. محل استقرار ما چرخشی است، گاهی ورودی بالای خیابان بست شیخ طوسی و گاهی پایین خیابان، گاهی ورودی شهید نواب و گاهی ابتدای باب الجواد و باب الرضا؛ کار اصلی ما توجه دادن زائرین برای تشریف و تکریم آنان و اعلام آداب حضور در محضر علی بن موسی الرضا(ع) است. از من اگر بپرسید، می‌گویم تمام دوران خدمت معجزه است،

ارتباط معنوی زوار و ایستادن‌ها خاطره است، کودکی که دست مادرش را رها می‌کند و می‌خواهد زودتر به حرم برود، وعده‌های پس از زیارت به صورت کاروانی، گریه‌های مادری که فرزندش بیمار است و کادر درمان او را جواب کردند و تنها کاری که می‌توانست انجام دهد خرید یک بلیت یک طرفه به حرم بوده و حالا پای رفتن به داخل ندارد، خنده‌های عروس و دامادهایی که آمده‌اند حرم زندگی‌شان را کنار امام رضا(ع) شروع کنند؛ همه و همه جذاب است. متأسفانه از زمان شیوع کرونا تا به امروز ساعت خدمت کاهش یافته و عمدتاً به دو تا سه ساعت رسیده است. یکی از جذاب‌ترین خاطراتم از خادمی، التماس دعاهاهایی است که مردم از ما دارند. ما اولین خادمینی است که می‌بینند و وارد حرم می‌شوند و آخرین خادمینی هستیم که پس از زیارت با مردم مواجهی؛ گاهی چنان مارا در آغوش می‌گیرند و گریه می‌کنند که تا چند روز پر از اشک هستیم. نمی‌دانم این توفیق چطور و چگونه نصیب ما شد.

## تماشای اولین دیدار

### صدیقه ترابی، سرگروه یکی از گروه‌های بانوان بخش ارشاد حرم

حدود ۱۰ سال است که کنار دیگر دوستان توفیق خدمت به زوار و مجاورین علی بن موسی الرضا(ع) را دارم. توفیق حضور در خادمی مراحل پیچیده‌ای دارد، از ثبت‌نام و آموزش تا آزمون و تحقیقات محلی اما هرچه می‌گذرد، می‌بینم این همه سختی و پشت در ماندن برکت خاصی دارد. هر شیفت سه تا سه و نیم ساعت است. خادمین ارشاد اولین گروه از خادمین هستند که در برابر چشمان زوار و مجاورین قرار می‌گیرند، برای همین صحنه‌های جذابی را می‌بینیم. اولین دیدار زوار با گنبد طلای آقا جلوی در، سلام‌های طولانی و گوشه ایستادن برای وداع، گریه‌های شوق دیدار و ده‌ها صحنه دیگر خادمی ارشاد را جذاب کرده است. قبل از فراگیری کرونا، خادمین دور هم کنار ساختمانی جمع می‌شدند و مراسم کوچک اذن داشتند اما حالا این مراسم برگزار نمی‌شود؛ راستش را بخواهید دلمان برای این مراسم تنگ شده است.

## خدمت با غسل شهادت

### رقیه، خادم بخش انتظامات

بخش انتظامات هم حساس است و هم دقیق؛ عمده همکاران و خادمین ما کارمند هستند و در ساعات خارج از محیط کاری‌شان به این بخش می‌آیند. بازرسی و نظارت ورودی‌های حرم پس از حادثه تروریستی سال ۷۳ کمی دقیق‌تر شد. آن زمان بچه بودم و یادم هست موج انفجار و ریختن آوار روی سر زوار چقدر تلخ بود. پدرم در همان ساعات داخل حرم بود و به معجزه‌ای شبیه بود که زنده ماند.

خدمت در ورودی‌ها و گیت‌های بازرسی، سختی‌های خاص خودش را دارد. تصور کنید زائری با تمام ناراحتی و نگرانی و درد می‌خواهد به زیارت آقا برود، ما هم مجبوریم مانع ورود وسایل ممنوعه شویم. وقتی زائری را به هر دلیلی برمی‌گردانیم و از او می‌خواهیم وسایل ممنوعه را تحویل امانتداری دهد، قلبمان می‌ایستد! می‌گویم نکند قلب زائر شکسته شود. بارها و بارها وقتی زائر پس از تحویل بار ممنوعه به امانتداری قصد ورود دارد از او طلب حلالیت داریم! اما چه کنیم ماموریم و معذور! همیشه پشتمان به حرم است و رویمان به زوار، چون تلاش داریم امنیت زائرانی را که در داخل

هستند، تامین کنیم؛ چه از لحاظ اجناس ممنوعه و چه از لحاظ این که خدای نکرده اتفاقی داخل نیفتد! بعضی از بچه‌ها همیشه آماده شهادت هستند. نه این که مسأله خاصی باشد نه؛ ولی با غسل شهادت وارد حرم می‌شوند! شهادت برای آقا موسی الرضا(ع) آرزوی بسیاری از بچه‌های ورودی گیت هاست، هر چند دعا می‌کنیم هیچ وقت خطری و حادثه‌ای برای زوار اتفاقی نیفتد! یکی از خادمین قدیمی این بخش می‌گفت: «ما‌ها پیشمرگ زوار امام رضا(ع) هستیم!» و چقدر این واژه برای ما افتخار است. پیشمرگ امام رضا(ع) شدن، پیشمرگ زوار امام رضا(ع) شدن، پیشمرگ راه امام رضا(ع) شدن. گزینش، ثبت‌نام، حضور و فعالیت در شیفت‌های انتظامات هم سخت است و هم پیچیده؛ بعضی از همکاران و خادمین این بخش کارکنان سایر نهادها هستند و از طرفی باید علاوه بر طی فرآیند سخت گزینشی، آموزش‌های مختلف اعم از انتظامی و حراستی تا آشنایی با حرم و بخش‌های فرهنگی و اخلاقی را ببینیم. بارها شده که زائری تقاضا دارد وسایل ممنوعه را وارد حرم کند ولی قوانین اجازه این کار نمی‌دهد و تلاش ما این است که با تکریم و آنچه شأن زائر امام رضا(ع) است با او برخورد کنیم تا هم قانون رعایت شود و هم او راضی از پیش ما برود.

## ما مردم عادی

### رستگاری، خادم کشیک شب انتظامات

اولین بار ۲۷ رجب سال ۹۳ خدمت به زوار حرم امام رضا(ع) نصیبم شد. حس و حال آن سال و ماه رجب فراموش‌نشدنی است. شروع خدمت در مهمانسرا بود. همکاران و خادمین راس ساعت وارد می‌شدند. مهمانسرا یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های خادمی است. حجم کاری در ماه رجب و شعبان و حتی رمضان در مهمانسرای حرم بیشتر می‌شود. پخت غذای تبرکی یکی از کارهای خادمین مهمانسراست. یادم نمی‌رود پاک کردن سبزی، پوست کردن پیاز و تمیز کردن برنج چقدر برایم جذاب بود. دو ماه در این بخش بودیم که وارد بخش هادی شدیم. بخش انتظامات حرم که شیفت آن متفاوت و سختی‌های خاص خودش را داشت.

معمولاً ساعت ۸ شب شروع شیفت خادمین انتظامات شب است و هر شیفت دو بخش دارد؛ بخش اول از ساعت ۸ تا ۱۱ و بخش دوم از ساعت یک و نیم بامداد تا ۴ صبح؛ هر دو بخش جذابیت‌های خاص خودش را دارد.

لباس ما سبز و عمدتاً با پرسبز مشغول به خدمت هستیم. یکی از جملاتی که زیاد از مردم می‌شنویم این است که: «چهره شما نورانی است!» راستش را بخواهید ما اصلاً چهره نورانی نداریم! یعنی کسی بیرون حرم این چنین به ما نمی‌گوید. پاسخ هم‌یشه این بود: «ما به دلیل حضور در حرم، نورانی می‌شویم و این نور خود امام رضاست که بر خادمین و زائرین می‌تابد! والا تا به امروز یک بار بیرون حرم با چنین جمله‌ای مواجه نشدیم! این در حالی است که همانیم که بیرون هم هستیم!»

## مثل یک خانواده

### بی‌بی اکرم مداحی، بازرس ارشاد

۱۶ سال است توفیق خدمت امام رضا(ع) را دارم. یکی از جذاب‌ترین بخش‌های خدمت، دوستی با سایر خدام و همکاران شیفت است. آدم‌هایی که وقتی وارد حرم می‌شوند همه مشکلات‌شان را پشت درهای حرم می‌گذارند و مشغول خدمت به زائرین امام رضا(ع) می‌شوند؛ به نحوی تمام همکاران شیفت شبیه یک خانواده هستند.

خیلی از بچه‌ها مشکلات هم را می‌دانند و از اتفاقات و سختی‌های روز خبر دارند. یکی از اتفاقات خوبی که در طول شیفت می‌افتد

التماس دعای سایر خدام است. یک بار یادم هست فرزند یکی از خدام دچار بیماری سختی شد و به صورت اورژانسی باید عمل می‌شد و او مجبور بود کنار فرزندش باشد اما به حرم آمد و مشغول به خدمت شد. چهره به چهره همه به همدیگر برای شفای فرزند این خادم التماس دعا می‌گفتند به نحوی که آن شیفت و آن زمان حال و هوای خاصی داشت. پزشک‌ها معتقد بودند این عمل آن چنان سخت است که احتمال زیاد بیمار زنده از اتاق عمل خارج نشود! اما ورق برگشت و هنوز اذان مغرب را نرفته بودند که خبر پیچید بیمار بدون هیچ نگرانی و عوارضی از اتاق عمل خارج شد و عمل موفقیت‌آمیز بود. خنده‌ها و شعف خادمین آن روز هنوز در ذهنم است!

